

موسیقی اسپانیا

۲ - آغاز عصر جدید - قرن شانزدهم

عصر جدید در اسپانیا از سال ۱۴۹۲ شروع میشود زیرا در آنسال بود که پادشاهان کاتولیک اسپانیا کار تسخیر مجدد اسپانیا را به اتمام رساندند، بعلاوه تحت حمایت ملکه الیزابت، کریستف کلمب موفق بکشف امریکا گردید.

در طی دوره رنسانس، موسیقی اسپانیا صعود پی گیر مخصوص به خود را چه در موسیقی مذهبی و چه غیر مذهبی آغاز نهاد و روابط خود را با موسیقی سایر کشورها توسعه بخشید. در دوره پادشاهی شارل اول از ۱۵۱۸ تا زمان تبعید و پناهنده شدن وی به صومعه در ۱۵۵۶ و همچنین در زمان پادشاهی پسرش فیلیپ دوم که تا ۱۵۹۸ بطول انجامید موسیقی اسپانیا یکی از دوره های درخشان خود را میگذراند. در همین عصر طلائی بود که موسیقی اسپانیا باوج کمال خود رسید و بر اثر تماس آن با هنر سایر کشورهای بزرگ اروپا آثار بسیار گرانبهائی بوجود آمد.

امروزه کتابهای حاوی ترانه‌های فراوان از آن زمان بدست‌مارسیده که شامل آثار باارزشی از موسیقی اسپانیا است. علاوه بر این مجموعه‌های خطی باید از مجموعه‌های موسیقی که بچاپ رسیده است نیز نام برد.

«مجموعه ترانه‌های موزیکال سلطنتی» که بانت نویسی جدید باهتمام باریبری در ۱۸۹۰ بچاپ رسیده، يك رپرتوار آوازی بین سالهای ۱۴۶۰ تا ۱۵۱۰ بوده و شامل ۴۵۹ اثر بولیفونیک است. در میان مصنفینی که نامشان در این مجموعه برده شده از همه مهمتر «خوان دل انسینا» (مصنف ۶۸ قطعه) میباشد. اکثریت این موسیقیدانان به دربارهای کاستیل و آراگون بستگی داشتند. این قطعات از نظر کنترپوان بسیار ساده بوده و برخلاف نظریه شایع، بهیچوجه اثری از هنر فلاماندی در آنها بچشم نیخورد. زیرا آهنگهای مذهبی ناحیه فلاماندر قبل از سال ۱۵۱۰ به‌شبه‌جزیره ایبری راه نیافته بود. همانطور که «آنگلس» نشان داده ریشه این آثار را باید در دربارهای بارسلون و ناپل که آلفونس بزرگ در آنجا حکومت میکرد جستجو نمود. علاوه بر خوان دل انسینا، در این مجموعه به نامهای دیگری بر میخوریم از قبیل «سیلان» (با ۲۳ قطعه)، «گابریل» (با ۱۹ قطعه) و همچنین «اسکوبار» و «بنیالوذا».

«مجموعه ترانه‌های موزیکال مدیناسلی» علاوه بردارا بودن ترانه‌های بیشتر بعلت اینکه دارای صفات غیر مذهبی میباشد از مجموعه اول مهم تراست. در این مجموعه ویلانسیکو و رومانس و ترانه‌و همچنین مادرینگال های فراوانی از آثار موسیقیدانان آندالوزی، دیده میشود. در میان این موسیقیدانان میتوان از برادران «پدرو» و «فرانسیسکو گره‌ره رو» و «کوالوس» و «خوان ناوارا» نام برد. بعلاوه قطعاتی که برای انجام فرائض مذهبی بکار میرفته اثر «مورالس» و «گومبرت» نیز در این مجموعه وجود دارد.

دیگر «مجموعه ترانه‌های کنا بخانه کولومبین» در شهر سویل که هنوز چاپ نشده و حاوی قطعاتی از اواخر قرن پانزدهم و اوایل قرن شانزدهم میباشد. فهرست مجموعه‌های چاپی با «ویلانسیکوها و ترانه‌ها» اثر «خوان واسکوئز» که در ۱۵۵۱ بچاپ رسید شروع میشود. بعد از آن مجموعه

«اوپسالا» قرار دارد که در ۱۵۵۶ درونیز چاپ شده و شامل صد اثر بدون ذکر نام مصنف میباشد و تقریباً اشعار تمام آنها بزبان اسپانیولی است بقیه این مجموعه‌ها بترتیب زیر هستند:

- ۱ - ترانه‌ها و ویلانسیکوهای «خوان واسکونز» (سویل-۱۵۵۹)
- ۲ - چند مادرینگال اثر « پدرو آلبرج ویلا » (بارسلون-۱۵۶۱)
- ۳ - چند مادرینگال اثر « فله چال خون » (ونیز-۱۵۶۸)
- ۴ - چند مادرینگال اثر « خوان برودیو » (بارسلون-۱۵۸۵)
- ۵ - سه کتاب حاوی مادرینگال و ترانه اثر « سباستیان راول » (ونیز-۱۵۹۳) .

اگر ما بطور کلی باین آثار نظر کنیم متوجه میشویم که موسیقیدانان آندالوزی به فرم‌های «ویلانسیکو» و «تونو»^۱ بیشتر علاقه داشتند در حالی که همکاران کاتالانی آنها بیشتر به فرم مادرینگال راغب بودند. در طی چند دهه از قرن شانزدهم آلت موسیقی ای بنام «ویپوتلا»^۲ خیلی معروف شده بود و شهرت آن به پای «لوت» در سایر کشورهای متمدن اروپا میرسید. ویپوتلا مانند لوت شش سیم داشت اما قسمت تحتانی آن برعکس لوت که گلایی شکل بود، صاف و مسطح بود. قطعات مربوط به این ساز را در روی شش خط مینوشتند که هر خط نمودار یک سیم بود و برای انگشت گذاری بجای حروف از اعداد استفاده میکردند. باین ترتیب تعداد زیادی اثر برای این ساز تصنیف شد که تقریباً موسیقی چاپ شده اسپانیا را منحصر بخود نمود. در این رپرتوار وسیع همه نوع اثری یافت میشود. تعدادی از آن کاملاً اصیل بوده، بعضی از فولکور ملی مایه گرفته و بعضی هم نیز تحت تأثیر موسیقی خارجی بوجود آمده بوده است.

شوالیه «دون لویز» در میلان چاپ آناری برای لوت را با کتاب خود موسوم به «موسیقی برای لوت دستی» (معروف به «ال مایسترو» چاپ والانس ۳۶-۱۵۳۵) آغاز نمود. این کتاب حاوی تعدادی فانتزی و رومانس و پاوان و غیره اثر خود مؤلف میباشد. متعاقب آن آثار دیگری

بوجود آمد که فهرست‌وار از این قرار است: شش کتاب از «لویز دو - ناروائز» (والیا دولید-۱۵۳۸) که سبب ایجاد مکتب مهمی در نوازندگی ویپوللا در قرناطه گردید. نامبرده مصنف ۲۲ آریاسیون روی تم‌رومانسی موسوم به «کنت بی پروا» میباشد. سه کتاب تعلیم موسیقی بوسیلهٔ اعداد اثر «آلفونسو مودارا» (سویل-۱۵۴۶). این موسیقیدان که بعد از اخراج از ایتالیا در شهر سویل مقیم شد، در مجموعه خود علاوه بر آوازه‌های کاستیلی از آوازه‌های ایتالیائی و فلانماندی ولاتین نیز استفاده کرد. دیگر کتاب «نغمهٔ سیرن‌ها» از «والدربانو» میباشد که در آن آوازه‌های مذهبی، غیر مذهبی، کنتربوان، فوگ و رقص یافت میشود و بعضی از این قطعات برای دو نوازنده نوشته شده است.

«کتاب موسیقی برای لوت» اثر «دیه‌گو پیسادور» در میان کتبی که نام بردیم از همه مفیدتر بوده است. کتاب دیگری اثر موسیقیدان ناپلینا «میکوئل دو فونلیانا» محتوی گنجینه‌ای غنی از موسیقی مذهبی و غیر مذهبی میباشد. و بالاخره کتاب «ال پاراناسو» اثر «استوان دازا» (۱۵۷۶) که محتوی بسیار متنوع آن شامل فانتزیهای اصیل و همچنین آوازه‌های تنظیم شدهٔ فرانسوی میباشد.

سه اثر دیگر نیز در این دوره برای تعلیم ویپوللا نوشته شده است: یکی کتاب «انگشت گذاری جدید برای هارپ و ویپوللا» اثر «هنستروسا»^۱ دیگر، کتاب «هنر نوازندگی فانتزی‌ها» و سوم «قطعات موزیکال برای هارپ و ویپوللا» اثر «آنتونیو دو کابه‌زون».

بعد از این دورهٔ پرشکوه و جلال ناگهان ساز ویپوللا در ورطهٔ فراموشی ابدی فرورفت و این امر مصادف با طلوع درخشان گیتار بود. تا اواسط قرن شانزدهم گیتار چهار سیم داشت اما در این زمان «ویسنته اسپینل» سیم پنجمی بآن اضافه کرد و نوازندگی آنرا عمومیت داد و این گیتار بنام گیتار اسپانیولی معروف گردید. ده سال پس از انتشار آخرین کتاب مربوط به ویپوللا در ۱۵۸۶ اولین کتاب مربوط به گیتار بچاپ رسید.

این کتاب در طی دو قرن بعد بدفعات متعددی تجدید چاپ شد. مصنف این کتاب دکتر «خوان کارلوس آمات» قبلاً با انتشار کتابی تحت عنوان «میوه های طبی» و همچنین با جمع آوری ۴۰۰ عدد از امثله کاتالانی در زمینه های طبی و زبانشناسی معروف شده بود. ولی باید برای شرح آثار مربوط به گیتار منتظر قرن بعد بود زیرا در قرن هفدهم بود که ادبیات گیتاری باشکوه تمام درخشیدن گرفت.

«لوت» نیز مقام ممتازی در این قرن داشت و یکی از نوازندگان آن بنام «برناردو رامیرز»^۱ میان نوازندگان هم دوره خود لقب بزرگترین نوازنده لوت در اروپا را بدست آورده بود.

موسیقی آرشه ای نیز در این دوره رونقی خاص پیدا کرد و «دیه گو اورتیز» ارگ نوازخانه دوک نشین ناپل کتابی تحت عنوان «وارپاسیون روی چند تم برای ویولن» در ۱۵۵۳ بچاپ رسانید.

آلات بادی چوبی و فلزی و همچنین آلات ضربی نیز مطابق معمول اعمال مخصوص بخود را انجام میدادند. این آلات را دودسته کرده بودند یکی آلات باصدای زیر و بلند و دیگری آلات باصدای بم و ملایم.

در ۱۵۹۹ در بارسلون یک دسته ارکستر مرکب از موسیقیدانان حرفه ای و استادان رقص تشکیل شد و تحت حمایت «سنت گرگوار» در تمام نواحی کاتالانی به فعالیت پرداخت. این مؤسسه مرتب در حال پیشرفت بود تا اینکه فیلیپ پنجم آنرا منحل کرد و فعالیت گروه های مختلف ارکستری کاتالانی را در آغاز قرن هفدهم ممنوع ساخت.

موسیقی صحنه ای بعد از کارهای اولیه «خوان دل انسینا» بتدریج نضج گرفت و پیشرفت کرد. از اوایل نیمه دوم قرن شانزدهم «خیل ویسته» پرتغالی و «لوکاس فرناندز» از اهالی سالامانکا، آثار صحنه ای اصیلی بوجود آوردند و هر دو آنها کمک فراوانی به پیشرفت آن نمودند و در نمایشات خود از ویلانسیکوها و آوازهای مختلف برای یک یا چندصد استفاده کردند. این موضوع از متن موجد آن آثار مستفاد میشود. متأسفانه بخش موسیقی این آثار برای همیشه از بین رفته است.

ارکسترها معمولاً بطور غیررسمی و در محلهای خاصی برنامه اجرا میکردند تا اینکه یک رهبر ارکستر بنام «ناوارو» آنها را در معرض استفاده عموم قرار داد.

تا اواخر قرون وسطی تئاترهای وابسته به دانشگاهها، آثار دراماتیکی برای استفاده دانشجویان خود بروی صحنه میآوردند. این امر که توسط دانشگاه سالامانکا ابداع شد بزودی در سایر دانشگاهها رواج یافت. این نمایشات بایک رشته آوازهها و قطعات ارکستری و همچنین رقص، بیابان می-رسید. در این موارد از آوازههای نشاطانگیز و قطعات فولکلوریک و گاهی نیز از ویلانسیکوهای پولیفونیک استفاده بعمل میآمد.

در میان موسیقیدانان مهم اسپانیا در دوره سلطنت فیلیپ دوم از «خوان کارسیا-دو باسورتو»، «پدرو دو باسترانا»، ارگ نواز و آهنگساز بزرگ «آنتونیو دو کاترون» (که مربی کودکان دربار و فیلیپ سوم بود و در سفری که همراه او به انگلستان نمود هنر وادباسیون را در آنجا تعلیم داد، بطوریکه نوازندگان انگلستان با استفاده از تعلیمات او به بسط فوق العاده وادباسیون پرداختند.)، «قله چال و پمخو» (که او نیز مربی اطفال دربار بود) میتوان نام برد. فیلیپ دوم یک گروه کر برای نمازخانه خود از خوانندگان هلندی تأسیس کرد که در میان رهبران آن میتوان از «فیلیپ روزبه» از اهالی فلاندرز نام برد که پس از مرگش در ۱۵۹۶ شاگردش «ماتئو رومرو» جانشین وی شد و در نیمه دوم قرن هفدهم از بزرگترین شخصیت‌های هنری گردید.

فیلیپ سوم بین سالهای ۱۵۶۳ و ۱۵۸۴، سومعه‌ای بنا نهاد و در منشور آن هر نوع موسیقی را که بر اساس «کانتوس فرموس» نبود ممنوع کرد. معینا وی استعمال ارگ را تشویق نمود. یکی از ارگ‌نوازان طراز اول این سومعه «مارتین دو ویلیانوئه‌وا» از اهالی قرناطه بود که در ۱۵۸۶ به موطن خود برگشت و بسال ۱۶۰۵ وفات یافت.

در دوره سلطنت «دون هرناندو» و همسرش موسیقی در ایالت والانس ترقی کرده و نمازخانه دوک نشین «کالا بر» در اواسط قرن شانزدهم دارای یک رهبر و ۲۴ خواننده و یک ارگ نواز و نه نوازنده کیتار و باسون بود که

باید با آنها شش ترومپت نواز نیز اضافه نمود.

در طی قرن شانزدهم مکاتب مختلف محلی از نظر موسیقی مذهبی بوجود آمد. ایالت کاستیل هنرمندان مهمی به روم فرستاد که مهمتر از همه «فرانسیسکو سوتو دو لانگا» (متوفی ۱۶۱۹) میباشد که با کمک «فیلیپ دو تهری» درزمینه اوراتوریو کارهای مهمی انجام داد. مکتب موسیقی آندالس دارای اعضای مهمی بود. منجمه «فرناندو اینفانتاس» که دوستی او با شارل پنجم سبب احراز مقام اجتماعی مهمی برای وی گردید.

موسیقیدان جدی دیگری از اهالی اندالس بنام «مورالس» (۱۵۵۳-۱۵۰۰) نیز معروفیت فراوان کسب کرد وی چندسال در رم اقامت کرد و در آنجا دو قطعه «مس» بچاپ رساند. وی در ۱۵۴۵ به اسپانیا بازگشت و شاغل پست‌های مختلفی گردید، آخرین شغل وی ریاست نمازخانه مالاگا بود. آثار متعدد او که همگی مذهبی است اخیراً توسط آنجلس تنظیم و چاپ شده است.

آهنگساز دیگر آندلسی «فرانسیسکو کوره‌رو» (۱۵۹۹-۱۵۲۸) میباشد وی متصدی مشاغل مهمی در نقاط مختلف اسپانیا گردید و پس از وفات «مورالس» بجانشینی او انتخاب شد و در همان شغل درگذشت. شهرت وی از آندالس به تمام اروپا سرایت کرد بطوریکه آثارش از قبیل مس، مونت، ماگنی فیکات و غیره توسط ناشرین مختلف در پاریس و روم و دنیز بچاپ رسید.

«خوان واسکوئز» با وجودیکه اهل «استرمدورا» بود بعلت نزدیکی و همچنین بعلت آنکه دوران تحصیل خود را در «سویل» انجام داده جزء موسیقیدانان آندالسی بشمار میرود. وی علاوه بر موسیقی مذهبی در زمینه موسیقی غیرمذهبی نیز آثاری نوشته است.

شخصیت‌های مهمی نیز در «آراگون» ظهور کردند یکی از آنها بنام «ملکور روبوله‌دو» (متوفی ۱۵۸۷) در رم اقامت گزید و نخستین رهبر نمازخانه کلیسای ساراگوس شد و شهرت وی بقدری افزایش یافت که پس از مدتی جزء چهار سازنده بزرگ موسیقی پولیفونیک بحساب آمد.

آثار این چهارتن برای اجرا در کلیسای پیلار قابل قبول تشخیص داده شد. سه نفر دیگر عبارت بودند از «ژوسکن» و «پالستینا» و «ویکتوریا» که همگی از بزرگترین موسیقیدانان عصر خود بودند.

از میان شخصیت‌های مهم مکتب «والانس» میتوان از «خوان خینز پرز»^۱ (۱۶۱۲-۱۵۴۸) و «خوان باتیستا کومس»^۲ (۱۶۴۳-۱۵۶۸) نام برد.

در طی قرن شانزدهم موسیقی ارگ مستعین زیادی را بسوی خود جلب نمود و در میان ارگ‌نوازان مهم میتوان «کابرون» و «توماس سانتاماریا» و «فرانسیسکو سالتاس» را نام برد. «برناردو کلاویخو» از ۱۵۹۳ به بعد جزء استادان موسیقی دانشگاه سالامانکا شد و از آنجا بعنوان ارگ‌نواز دربار شاهی به مادرید رفت و در ۱۶۲۶ درگذشت.

دردوره سلطنت شارل پنجم در کلیسای تولدو ارگی نصب شد که بنام ارگ امپراطور معروف گردید و دارای دو ردیف کلید و یک ردیف پدال بود.

ترجمه و اقتباس دکتر فرخ شادان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتالی جامع علوم انسانی